

حکمت معماری اسلامی

(بررسی حکمت معماری اسلامی با محوریت مسجد)

امین مکارخالص اهر¹، حامد ادیب زاده²

¹کارشناسی ارشد معماری، معماری، ایران، اهر Mokari.amin19@gmail.com

²کارشناسی ارشد معماری، معماری، ایران اهر، Hamed.adibzadeh1488@gmail.com

چکیده:

هنر دین و مذهبی از زمان به وجود آمدت به دنبال محیطی است که پیروان خود را در آنجا جمع نماید. این تجمع که عامل اصلی آن عبادت است وسیله ای است برای تعاملات اجتماعی میان پیروان آن دین، به ویژه ادیبانی که به تعاملات اجتماعی بها داده اند. انسان که موجودی است فطری برای ارتباط با آفریننده ی خود نیازمند مکانی است که دارای ویژگیهای آسمانی و معنوی که تجربه ی عروج روح و اتصال آن به هستی لایزال را ممکن سازد. از میان ادیان الهی دین اسلام بیشترین اهمیت را برای جنبه ی اجتماعی عبادت قائل بوده است، مکانی که این امکان را برای این امر خطیر فراهم آورده از اهمیت بسزایی برخوردار است. بنابراین مساجد جایگاه والایی دارند، مسجد قلب طینده ی شهرهای اسلامی است و باید مهمترین و بهترین مکانها برای مساجد فراهم شود. اولین اقدامی که حضرت محمد (ص) بعد از تشکیل حکومت در مدینه کرد ساخت مسجد قبا بود که الگویی اولیه تمامی مساجد گردید. این مسجد علاوه بر روح اسلامی دارای هویت اسلامی نیز بود چون دارای کالبدی اسلامی بود دین اسلام با ورود به ایران روح اسلامی را در کالبد بنای ایرانی دمید. این حقیقتی است که تازه متولد شده با ورود به ایران جایگاه روح بناها و زشتی (آتشکده ها و معابد زرتشتی) را گرفت. یعنی روح اسلامی در ظرف ایرانی جاری گردید. بسیاری از مساجد که بر روی آتشکده ها و معابد بنا نشده بودند همان کالبد ایرانی خود را با روح اسلامی حفظ نمودند بنابراین هویت ایرانی در قالب مساجد بازنمایی کرد. برای کشف این حکمت در مقاله فوق ابتدا به بررسی مفاهیم هنر مقدس میرویم. پس از آن به ارتباط میان معماری و حکمت هنر اسلامی میپردازیم

واژه های کلیدی: (حکمت هنر اسلامی، حکمت معماری اسلامی مساجد، خانه خدا، مسجد)



1- مقدمه

حکمت در لغت به معنای نوعی محکم کاری است که در آن رخنه‌ای راه ندارد. حکمت به معنای حکم است، حکمی که تغییر ناپذیر است، حکمی محکم و استوار که در معلومات عقلی غیر قابل بطلان است. عده‌ای حکمت را به معنای علم و دانش و نمودی از فلسفه و عرفان می‌دانند ولی باید دانست که حکمت با فلسفه متفاوت است ولی عرفان را می‌توان در حیطه حکمت قرار داد. در واقع حکمت بر پایه علوم شهودی و حصولی استوار است و حکیم کسی است که به شناسایی حق و فراگرفتن علوم شرعی، علوم طریقت و حقیقت و برهان می‌پردازد. حکمت دین و شریعت خداوندی است که فاقد محدودیت است. حکیم می‌تواند مسلمان، مسیحی، یهودی و پیرو هر آئین و مسلک خداجو باشد. شاید بتوان گفت که حکیم می‌تواند به همه علوم تسلط داشته و آن‌ها را برای رسیدن به حق و حقیقت به کار ببندد. سقراط از آن دسته متفکرانی است که معرفت را در معنای حسی آن رد می‌کند. از نظر او مردم باید به جای منافع شخصی، جویای فضیلت و حکمت باشند در واقع تلقی سقراط از حکمت، بصیرت به آن حقیقتی است که برای انسان خیر است و منجر به سلامتی و هماهنگی نفس می‌شود. افلاطون نیز از جمله متفکرانی است که ضمن رد نگاه حسی نسبت به هنر نگاه و دید منفی دارد. او بر این باور است که هنرمند با دید حسی طبیعت را تقلید می‌کند. نگاه افلاطون به حکمت نوعی شناخت عمیق از جهان هستی و حقیقت است. ارسطو شاگرد مکتب افلاطون نیز همانند اساتید خود به مبارزه با دریافت‌های حسی می‌پردازد و در راه این مبارزه به مفهوم حکمت دست پیدا می‌کند. در واقع ارسطو حکمت و فهم ماوراء الطبیعه را یکسان می‌داند. ارسطو «معتقد است فیلسوف یا دوستدار حکمت کسی است که خواستار معرفت درباره علت نهایی و ماهیت اشیاء و واقعیت است و معرفت را برای خود معرفت می‌خواهد. در نظر او حکمت اصول و علل اولیه اشیاء را مورد بحث قرار می‌دهد و از این روی معرفت کلی در عالی‌ترین درجه است و حکمت دورترین علم از حواس، انتزاعی‌ترین و بنابراین مشکل‌ترین علم است. زیرا که مستلزم بیشترین فکر است». در واقع ارسطو حکمت را معنای به تمام کمال، فهم مابعدالطبیعه می‌داند. و به اعتقاد وی حکمت به چهار موضوع می‌پردازد: 1- جوهر یا ذات شیء؛ 2- ماده یا موضوع؛ 3- منشأ حرکت یا علت فاعلی؛ 4- علت نهایی یا خیر.

ممکن است برای ذهن پویا و جستجوگر این سؤال مطرح شود که حکمت از کی آغاز شد و هدف آن چه بوده است؟ آن چه می‌توان در پاسخ به این سؤال به حق بیان کرد این است که حکمت اصالتاً از آن مردم مشرق زمین است ولی آن چه که قابل تأمل است ذوق و استعداد یونانیان در فراگیری و مکتوب کردن آن بوده است. یونانیان مردمی بودند که پس از تمدن‌های مصر، بین‌النهرین، ایران، هند و چین تمدن عظیم یونانی را که منشأ شکل‌گیری تمدن مغرب زمین بود شکل دادند. «ضمناً چنان که در میان همه اقوام و ملل همواره اشخاص نکته سنج و نصیحت‌گو بوده که مردم را از سود و زیان‌شان آگاه و به گفته‌های خردمندانه بیدار می‌ساخته‌اند در میان یونانیان نیز این‌گونه دانشمندان بسیار بوده و بعضی از آن‌ها نامی شده و وضع قوانین و آداب سودمند برای آن قوم نموده‌اند» اولین متفکران یونانی که از آن‌ها به عنوان حکمای هفت‌گانه یاد شده است، همه به عالم طبیعت توجه داشتند و به وجهی از وجود ماده و جسم را اصل و حقیقت اشیاء می‌دانستند در واقع نگاه حسی، ابزار شناخت این دسته از حکمای قدیم یونان باستان بوده است. اما با رشد این تفکر حکمی در سده‌های بعدی حکیمانی به نام حکمای الثات ظهور کردند که شیوه تعقل و استدلال عقلی را ابزار شناخت قرار دادند و نوعی نگاه معرفتی به اشیاء داشتند. این شیوه در مقابل مشاهده و تجربه قرار گرفت که شیوه اهل حس بود.



ابن سینا حکمت را عمدتاً روشی برای فهمیدن حقیقت واقعیت‌ها تلقی می‌کند و معتقد است که توسط آن انسان هر آن‌چه را که در عالم هست و در واقع در نفس الامر وجود دارد دریافت می‌کند. محیی‌الدین عربی بنیان‌گذار عرفان نظری حکمت را تکامل نفس می‌داند. ملاصدرا فیلسوف آشتی عقل و عشق حکمت را روش خاصی می‌داند که نفس انسان را به آن وجه از تعالی واصل می‌کند که به بالاترین درجات سعادت نایل گردد.

2- روش تحقیق:

روشی که در این تحقیق مورد استفاده قرار داده شده روش کتابخانه‌ای می‌باشد - روش‌های کتابخانه‌ای: بسته به نوع سند و موضوع تحقیق ممکن است با استفاده از فیش یا جدول یا فرم‌های شبه پرسشنامه یا ترکیبی از همه آن‌ها انجام پذیرد.

در تحقیقاتی که ماهیت کتابخانه‌ای دارند تقریباً تمام تلاش محقق در کتابخانه‌ها صورت می‌پذیرد. حتی در تالیفات و تصنیفات نیز از این روش استفاده می‌شود. گام اول در مهارت تحقیق کتابخانه‌ای آشنایی با نحوه استفاده از کتابخانه است. برای اینکار محقق باید از روش‌های کتابداری نحوه استفاده از برگه‌دان و ثبت مشخصات کتاب، نحوه جستجوی کتاب در کتابخانه و رایانه و ... اطلاع حاصل نماید. نکته دوم شیوه جستجوی کتاب یا منبع مورد نیاز در کتابخانه است. برای این کار معمولاً کتابخانه‌ها، برگه‌دان‌ها یا کارت‌های ویژه‌ای در اختیار دارند که به سه شکل تنظیم شده است: بر اساس عنوان کتاب، بر اساس موضوع، بر اساس نام مولف.

در کتابخانه‌ها به طور کلی دو دسته منبع وجود دارد: اول، منابعی که به امانت داده می‌شود. دوم، منابعی که به امانت داده نمی‌شود مثل فرهنگ‌ها، کتاب‌های مرجع، اطلس‌ها، مجلات و ... کتابخانه‌ها از حیث دسترسی به منابع به سه گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول، کتابخانه‌های باز که در آنها محقق می‌تواند آزادانه بین قفسه‌ها رفت آمد کند. گروه دوم، کتابخانه‌های بسته که در آنها محقق امکان دسترسی به منابع را به طور مستقیم ندارد. گروه سوم، کتابخانه‌های نیمه باز که بخشی از آن مستقیماً در دسترس محقق و بخشی دیگر از آن در اختیار کتابدار است

3- حکمت معماری اسلامی:

آموزه‌های معنوی و باورهای فرهنگی، زیر بنای برپایه یک معماری ارزشمند و پویاست. از این رو باز شناسی دستاوردهای شکوهمند معماری اسلامی بدون آگاهی از مبانی اندیشه‌های و زیر ساخت‌های اجتماعی امکان پذیر نخواهد بود. کسانی که نا آگاهانه معماری اسلامی را مستقل از معنویت و حکمت می‌خوانند، ناخود آگاه راه پیشرفت و تعالی آنرا مسدود می‌نمایند. به منظور درک هر چه بهتر این روند تکاملی باید در نظر داشت که «معماری کهن و پر رمز و راز ایران زمین، بی ادب و فرهنگ مردمانی که خشت و رنگ آنها را پایدار داشته‌اند، فهم نمی‌شود»

از این رو در بازشناسی هر اثر معماری باید توجه داشت که از یک سو مفاهیم معنوی حاکم بر جریان طراحی سازنده ویژگی‌های کالبدی بنای نهایی است و از سوی دیگر هر فضای ساخته، بصورت جامع معرفت‌توان شناخت و پیش‌فرض‌های طراحی است. بنا براین مبانی فرهنگی بستر شکل‌گیری بنا، خصال معنوی سازنده و فضای ساخته، عناصر اصلی شکل‌یابی مفاهیم معنوی در کالبد مادی بناهای معماری است.¹

¹ مهدوی نژاد، محمد جواد، حکمت معماری اسلامی، نشریه هنرهای زیبا، شماره 19، پاییز 83، ص 61



حکمت معماری اسلامی مرتبه ای است، که در آن نیازهای مادی و معنوی به صورت یکسان پاسخ می‌گردد. سید حسین نصر در تبیین مفهوم حکمت در فرهنگ اسلامی می‌نویسد: «باین تعاریف « که ملا صدرا در کتاب رسایل داده است «، حکمت نوعی دانش ناب عقلانی است که داننده خود را در روند دانش اندوزی به گونه ای دگرگون می‌سازد که روکش بدل به آیین‌های می‌گردد که سلسله مراتب کیهانی در آن انعکاس می‌یابد»

این مرتبه که ملا صدرا آن مقام حکمت می‌خواند، مقامی است که در آن انسان شایسته خلق معماری و یا هر اثر هنری دیگر می‌شود و هر آنچه که می‌آفریند سرشار از پاسخ‌هایی روشن و مناسب به خواسته‌های مادی و نیازهای معنوی است. معماری اسلامی حاصل معنویتی است که به مدد اندیشه پاک معماران کشور های اسلامی اندک اندک به شکوفایی رسید؛ تا جایی که در مکتب اصفهان به بالاترین درجه شکوفایی و سازماندهی دست یافت، مرتبه ای که از آن می‌توان به تبلور حکمت معمار اسلامی یاد کرد. حکمت معماری اسلامی منجر به نهادینه شدن سنتی شد که آثار معماری این دوران را، به یادگاری‌های جاودانه و استوار تبدیل ساخت آنچه امروز از آن با عنوان معماری اسلامی ایران یاد می‌شود، ادامه سنتی است که توانسته با تکیه بر آموزه‌های معنوی، حکمت ناب اسلامی را با زبان رمز و اشاره در کالبد مادی عالم ظاهر متجلی می‌سازد.^۲

3- معماری و حکمت ناب ایرانی:

معماری اسلامی یکی از بزرگترین جلوه‌های ظهور یک حقیقت هنری در کالبد مادی به شمار می‌آید. معماری اسلامی به مثابه یکی از بزرگترین شاخه‌های هنر اسلامی توانسته است، بخش عظیمی از خصوصیات هنر اسلامی در بستر زمان و در طول دوره‌های گوناگون نهادینه سازد. از لحاظ تاریخی معماری اولین هنری به شمار می‌آید که توانسته خود را به مفاهیم هنری سازگار نماید، از طرف مسلمانان مورد استفاده قرار گیرد. استقبال مسلمانان به این هنر موجب گردید تا سالها بعنوان تنها هنر اسلامی به درج مفاهیم دینی و مذهبی اسلامی بپردازد. این امر تا آنجا ادامه یافت که در ذهن اغلب مردم با شنیدن واژه هنر اسلامی، اولین چیزی که مورد توجه قرار می‌گیرد، معماری اسلامی است

معماری اسلامی در مقام توصیف به باز گسترده‌ای از آثار اسلامی اطلاق می‌گردد که در طول سالهایتمادی رونق اسلام در سرزمینهای اسلامی شکل گرفته‌اند. هر چند از لحاظ ظاهری تفاوت‌هایی میان آنها به چشم می‌خورد در یک نگاه کلی و جامع نگر می‌توان پیوستاری ارزشمند و پویا را در آن باز شناسی کرد که موجب شده، تمامی آنها در قالبی واحد با عنوان معماری اسلامی در کنار یکدیگر قرار گیرند. معماری اسلامی بر ایند کوششهای همه جانبه معماران اسلامی است و از لحاظ موقعیت قرار گیری این بناها، بازه ای گسترده از اسلامی به چشم می‌آید که علی‌رغم تمایزات اقلیمی و فرهنگی از هماهنگی‌های معنوی فراوانی برخوردارند. آنچه آثار معماری اسلامی را با تمام گونه‌ها در یک مجموعه در کنار یکدیگر تعریف می‌کند، انگاره ای است که آموزه‌های معنوی معماری اسلامی را در تک تک این آثار متبلور ساخته است. بعبارت دیگر اصلی پنهان در این بناها به ودیعه نهاد شده که موجب می‌گردد، بتوان آنها را در کنار یکدیگر بعنوان اعضای یک خانواده بازیابی کرد، اصلی که سید حسین نصر از آن بعنوان « اصل وحدت» یاد می‌کند^۳

^۲ نصر، 1376، صدرا ی شیراز در تاریخ و فلسفه ی اسلامی، به کوشش محمد شریف، مرکز نشر دانشگاهی، تهران

^۳ نصر، 1375، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر



اصل وحدت جوهره ای کار گشا در باز شناسی آثار معماری اسلامی است زیرا از یک سو ادراک بناها را ممکن می سازد و از سوی دیگر امکان می دهد، تمامی آثار معماری اسلامی ایران و دیگر کشورهای اسلامی را به صورت مجموعه ای واحد مورد مطالعه قرار داد

معماری اسلامی ایران هر چند چون بسیاری دیگر از شیوه های معماری اسلامی بسیار تحت تاثیر خصوصیات بومی و تاریخی بوده است، یکی از مهمترین و موفقترین مکاتب معماری اسلامی به شمار می آید زیرا در طی سالیان متمادی، سیر صعودی و جریان تکاملی خوشی را به نمایش گذارده است. شیوه های معماری ایرانی هر یک تکمیل کننده شیوه های پیش از خود بوده اند و تا سال ها بدون کمترین خللی به تکامل تعالی پرداخته است. موقعیت جغرافیای ایران نیز در این زمینه بسیار موثر بوده است زیرا از یک سو ایرانیان از اولین اقوامی بودند که به دین مبین اسلام مشرف شدند و از سوی دیگر نیز از سوی دیگر بسیاری از ملتها و کشورهای دیگر نیز از طریق ایران به این موفقیت دست یافته اند. گسترش جغرافیای و غنای فرهنگی مردم ایران نیز در این امر بسیار موثر بوده است. از این رو در دسته بندی های موجود، معماری اسلامی ایران بعنوان یکی از مهمترین مکاتب معماری مورد پذیرش قرار گرفته است، علاوه بر اینکه از لحاظ شکلی - محتوای خصوصیات منحصر به فردی از آن قابل تعریف است.⁴

اگر معماری اسلامی را نگین انگشتی هنر های اسلامی ایران را مایه سرافرازی معماری اسلامی جهان بدانیم، بی شک مکتب اصفهان سر آمد شیوه های معماری اسلامی و مایه مباحثات نحلّه های مختلف آن است. مکتب اصفهان در معماری که استاد پیرنیا از آن با عنوان «آواز قوی معماری اسلامی» یاد می نماید میراث دار سالها کوشش و تلاش ایرانیان در شیوه های خراسانی، رازی و آذری است که در دوران طلایی فرهنگ ایرانی و دورا پر افتخار صفویه به بارنشست. مکتب اصفهان روزگار تلاقی حکمت، معنویت و خرد ایرانی با مفاهیم پایدار اسلامی است، بعبارت دیگر شکل گیری و تکامل مکتب اصفهان حاصل فرایندی است که در نتیجه آن اندیشه های اسلامی و بخصوص شیعی در بستر سالها تجربه ایرانیان، به عالی ترین شکل ممکن در عرصه ظهور متجلی گردید.

4- معماری اسلامی؛ مرز هنر و معنویت :

کمتر کسی را می توان یافت که پای در بنای اسلامی بگذارد و در بی کرانگی فضای آن غرق نشود. جذبه رنگ لاجوردی، انحنای قوی طاق دیسها، آینه کاری های منظم که بنا را از جهت خارج می کند و تذهیب دیوارها با کلماتی که سر در عالمی دیگر دارند و... همگی تجلی ماورای طبیعت در طبیعت است. هنر اسلامی ترکیبی از شهود و اندیشه است؛ کیفیت بوده را در چهره نموده ها متجلی می کند و در یک کلام، این عشق است که هنر را می آفریند. بوکهارت در این زمینه میگوید:

« اگر کسی ناگزیر شده که به پرسش «اسلام چیست؟» پاسخ گوید، کافی است به یکی از شاهکارهای هنر اسلامی، مانند مساجد جهان اسلام اشاره کند.»

بنابراین به عقیده وی هنر اسلامی امری کاملاً اندیشه ای است. هنرمند با تجسم بخشیدن به یک ماده خام در واقع دست به خلق اثر هنری می زند و به آن روح می دهد. از این رو هنرمند یک خالق است. خالق همواره می باید منزّه باشد و لذا هنر همواره در نزد مسلمانان ارجی عظیم داشته است. در هنر اسلامی هیچ چیز نباید بین انسان و حضور غیبی خداوند فاصله اندازد. از همین روست که جهت مساجد در هر نقطه



جهان، کعبه است. یعنی جهت مبنی به سمت ماورا مکانی است که در آن ساخته شده است. بدین ترتیب مفهوم زمان برای چنین بنایی که جهت آن بیرون از مکان است، متفاوت با زمان قابل شمارش است. در اینجا است که هنر اسلامی بامعنویت گره می خورد⁵

5- حکمت معماری مساجد:

معماری یکی از هنرهای اسلامی است که خصوصیات هویتی اسلام را در خود جای داد و تقریباً تمام خصوصیات هنر دینی را با خود به همراه دارد. در سرزمین های اسلامی خانه ها را طوری بنا می کردند که برای زندگی کوتاه انسان مناسب باشد. برای معماری بنای خانه ها بیشتر به کارکردهای منطقی بنا تا مسأله جاودانی آن توجه می شد و شاید به همین دلیل باشد که منازل و خانه های ادوار گذشته کمتر باقی مانده اند، مگر تعدادی معدودی که آن ها هم از لحاظ جنبه معنوی محافظت شده اند مانند خانه حضرت زهرا (س) در مدینه و یا خانه حضرت علی (ع) در کوفه، که باز هم حکمت معنوی حاکم بر بنا موجب ابقای آن شده است. اما خانه های خدا امری جدا از این امر بوده اند. خداوند خود جاوید است پس باید محل عبادت او نیز جاودان باشد. به همین دلیل در اسلام به معماری مساجد بسیار اهمیت داده شده است و بنای معماری مساجد را به زیباترین هنرها می آراستند. در واقع مساجد جلوه ای از هنرهای اسلامی هستند⁶

5-1- نگاه حکمی به معماری خانه های خدا :

هنر اسلامی هنری حکمی است. تنها دانشی که می تواند هنر اسلامی را درک کند و آن را بیان نماید، حکمت است. معماری و تزئینات وابسته به آن در هنرهای اسلامی از جایگاه بسیار محکمی برخوردار می باشند. اساس معماری اسلامی بر حکمت استوار است. حکمت معماری اسلامی به خصوص معماری مساجد را می توان در دو بعد ظاهری و باطنی بررسی کرد. کلیه ملزومات و کارکردهای مساجد هم از لحاظ ظاهری و هم از لحاظ باطنی دارای حکمت می باشند همچنین می توان حکمت ظاهری و باطنی معماری مساجد را از لحاظ کاربرد نماد، کارکردهای فیزیکی و عملکردی و خصوصیات ظاهری و باطنی اجزاء تشکیل دهنده بنا مشاهده کرد. سیر تاریخی معماری مساجد نیز خود روشنگر وجود حکمت در معنای متعالی آن می باشد.

5-2- مسجد تجلی گاه حکمت هنر اسلامی:

هنر در واقع نوعی خلقت و یا بازآفرینی است و در حقیقت هنرمند هر قدر در بازآفرینی، «معنی» و «شیء» را «کماهی» بیافریند، اثرش هنرمندانه تر است زیرا، هنر را نسخه دوم خلقت تلقی می کنیم، کما این که هنر، «نسخه سوم» وجود قلمداد می شود. نسخه اول وجود حق تعالی است. نسخه دوم، انسان و هستی است. پس هنر که بازآفریده انسان است نسخه دوم خلقت و نسخه سوم وجود خواهد بود. معماری نیز یکی از هنرهای اسلامی است که خصوصیات هویتی اسلام را در خود جای داد و تقریباً تمام خصوصیات هنر دینی را با خود به همراه دارد. در سرزمین های اسلامی خانه ها را طوری بنا می کردند که برای زندگی کوتاه انسان مناسب باشد. برای معماری بنای خانه ها بیشتر به کارکردهای منطقی بنا تا مسأله جاودانی آن توجه می شد و شاید به همین دلیل باشد که منازل و خانه های ادوار گذشته کمتر باقی

5 هنر و معنویت «مجموعه مقالاتی در زمینه حکمت هنر»، تدوین و ترجمه انشاءالله رحمتی، پاییز 1383

6. (حکمت و هنر معنوی ترجمه ی غلامرضا اعوانی؛ گردآوری غلامرضا اعوانی، تهران: انتشارات کروس، 1357).



مانده‌اند، مگر تعدادی معدودی که آن‌ها هم از لحاظ جنبه معنوی محافظت شده‌اند مانند خانه حضرت زهرا (س) در مدینه و یا خانه حضرت علی (ع) در کوفه، که باز هم حکمت معنوی حاکم بر بنا موجب ابقای آن شده است. اما خانه‌های خدا امری جدا از این امر بوده‌اند. خداوند خود جاوید است پس باید محل عبادت او نیز جاودان باشد. به همین دلیل در اسلام به معماری مساجد بسیار اهمیت داده شده است و بنای معماری مساجد را به زیباترین هنرها می‌آراستند. در واقع مساجد جلوه‌ای از هنرهای اسلامی هستند.

صنعتگران و هنرمندان مسلمان به دلیل کارکرد معنوی مسجد همه تلاش و خلاقیت خود را به منظور هرچه زیباتر کردن و مستحکم ساختن مسجد به کار می‌برند. توجه به فلسفه وجودی مسجد و مقام و منزلت آن در نزد خداوند موجب می‌شود، هنرمندان توجه خاصی به این مکان مقدس داشته باشند. به دلیل کارکرد اصلی مسجد که همان نزدیکی بنده به خالق است توجه به اصول و مبانی فلسفی هنر اسلامی بسیار ضروری است، همان طوری که در بحث هنر قدسی بیان شد، هنر اسلامی علاوه بر آزادی هنرمند در به کارگیری خلاقیت خود، دارای محدودیت‌ها و قوانین قاطعی است که نه تنها راه را بر هنرمند مسلمان نمی‌بندد؛ بلکه پنجره‌ای به سوی عالمی که بسیار زیباتر و با ارزش‌تر از عالم محسوس می‌باشد، برای او بازمی‌کند. یکی از این قوانین منع شمایل‌نگاری در اسلام است. «با حذف هرگونه تصویر بشری، حداقل در قلمرو دین، هنر اسلامی به انسان کمک می‌کند تا کاملاً خودش باشد، به جای آن که روح خود را به خارج از خود افکند، انسان در مرکز وجودی خود باقی می‌ماند، آن‌جا که او در عین حال خلیفه و عبد خداوند است. هنر اسلامی به طور کلی می‌کوشد تا محیطی به وجود آورد که در آن انسان بتواند وزن و وقار فطری و اولیة خود را بازیابد و بنابراین از هرگونه تب دوری ورزد، حتی به معنای نسبی و موقت آن، هیچ چیز نباید حجاب بین انسان و حضور نامرئی خداوند قرار بگیرد». در واقع هنر اسلامی با جدا شدن از عالم عینیت به عالم شهود رجوع می‌کند. مساجد اسلامی تجلی کامل این شهود معنوی است. هنر به کار رفته در مساجد هنری شهودی، معنوی و مینوی است. به طور کلی می‌توان ادعان داشت که اولین جایگاه تجلی هنر اسلامی مسجد بوده است. مساجد اولیة اسلامی، مساجدی بسیار ساده و بی‌پیرایه با پلانی چهارگوش و یک شبستان ستون‌دار فاقد هرگونه آرایه و تزئین بودند اما با رشد و توسعه جغرافیایی اسلام و ایجاد امنیت و ثبات اجتماعی در مناطق اسلامی و رشد و شکوفایی اقتصادی آن تزئینات شکل و فخم به ساختار مساجد وارد شد که در بیان معنای باطنی مسجد در قالب ظاهر مادی آن بسیار کمک می‌کرد. توجه خاص به مساجد جامع و تزئینات آن‌ها موجب گشت که مساجد جامع به عنوان نگینی درخشان در هنر اسلامی درخشش کنند البته مسائلی مانند شرایط اقلیمی، موقعیت جغرافیایی و شرایط فرهنگی حاکم بر هر منطقه شکل خاصی از تزئینات هنر معماری مساجد را به وجود آورد.

بنای مسجد به صورتی عالی و معنوی طراحی و ساخته می‌شود. کف مسجد با زیباترین و بهترین سنگ‌ها، سنگ فرش می‌شود و به کارگیری تزئینات معرق کاشی، کاشی هفت رنگ و مینایی و به کار بردن گچبری‌های زیبا بر دیوار صحن‌ها و شبستانها یادآور بهشت مینوی خدا است. فرش‌های زیبا با الوان جادویی، زینت بخش فضای درونی مسجد است. به کارگیری بهترین تزئینات در محراب مسجد. پشنازترین قسمت بنا به سوی کعبه خداوندی، اهمیت آن‌را نشان می‌دهد و به زبان ساده‌تر مجموعه‌ای از خلاقیت‌های هنری را در ساخت بنای خانه خدا به کار می‌برند. این‌ها همه و همه جهت ایجاد زمینه‌ای برای کشف شهود است تا انسان مسلمان در خانه خدا احساس آرامش و زیبایی کند. آوردن کتبه‌های قرآنی به صورتی بسیار موجز و تأثیرگذار با خط‌های کوفی، ثلث و نسخ که در فضای لاجورد مسجد چشم را به آرامش دعوت می‌کند ابزاری برای تجلی معنای باطنی مسجد است. کتیبه‌ها همواره انسان نمازگذار را به



یاد خدا می‌اندازد و معنای حقیقی قرآن را در ذهن او متجلی می‌کند تا او قدرت بی‌همتای خداوند را درک کند. نقوش و تزئینات آهنگ و ریتمی هماهنگ ایجاد می‌کند که برای درک حالت معنوی مسجد بسیار سودمند است و در مجموع باید اذعان داشت که مساجد در بالاترین جایگاه هنر اسلامی قرار گرفته‌اند و همواره ذهن انبوهی از هنرمندان را به خود مشغول کرده و ذوق و ابتکار و خلاقیت آن‌ها را به صحنه عمل کشیدند به طوری که بزرگترین شاهکارهای هنر اسلامی یا خود مساجد یا هنرهای وابسته به مساجد اسلامی می‌باشند.

6- نگاه حکمی به معماری خانه‌های خدا:

هنر اسلامی هنری حکمی است. تنها دانشی که می‌تواند هنر اسلامی را درک کند و آن را بیان نماید، حکمت است. معماری و تزئینات وابسته به آن در هنرهای اسلامی از جایگاه بسیار محکمی برخوردار می‌باشند. اساس معماری اسلامی بر حکمت استوار است. حکمت معماری اسلامی به خصوص معماری مساجد را می‌توان در دو بعد ظاهری و باطنی بررسی کرد. کلیه ملزومات و کارکردهای مساجد هم از لحاظ ظاهری و هم از لحاظ باطنی دارای حکمت می‌باشند همچنین می‌توان حکمت ظاهری و باطنی معماری مساجد را از لحاظ کاربرد نماد، کارکردهای فیزیکی و عملکردی و خصوصیات ظاهری و باطنی اجزاء تشکیل دهنده بنا مشاهده کرد. سیر تاریخی معماری مساجد نیز خود روشنگر وجود حکمت در معنای متعالی آن می‌باشد.

7- هنر قدسی:

هنر قدسی هنری است که علاوه بر اینکه دارای روح و محتوای دینی است دارای کالبد و قالب دینی نیز باشد یعنی هویتی دینی نیز داشته باشد برای مثال در مقالات مرجع هنر اساس و باروک مثل زده شده است که گرچه دارای مظهر دینی است اما ظرف دینیندارد صورت بنا به گونه ای است که با سایر هنرهای غیر دینی تفاوتی ندارند.

بوکهارت به طور اغراق آمیزی بر نمادین بودن هنر قدسی پافشاری دارد و توضیح نظر خود معتقد است. هنر مقدس هم به لحاظ صورت هم معنا و هم سبک از بیان خاصی برخوردار است که صنایع دستی یکی از حوزه های ابلاغ این صورت و معنا ست بنابراین یک مضمون دینی که واحد پرداخت ریالیستی است مثل هنر رنسانس نمی تواند هنر دینی باشد چرا که فاقد رمزگرایی و کنایات خاص سبک شناختی است. هنر دینی را معنا می بخشد⁷

دکتر رهنورد در این باره می گویند " هنر دینی تجربه ای زیباشناختی از امر متعال و قدسی از ساحتی فراتر از ماده و آسمانی است. هنر قدسی در قالب های مختلفی در طی ادوار در قالب انسان های نخستین، مسیحیت، بودایی - هندو و هنر قابل مشاهده است که هر کدام به نحوی برای بیان حقیقت کوشیده اند. اما می توان تلاش همگی آنها در 1 نقطه به اشتراک رسیده است و آن نقطه روح و باطن (حقیقت) اشیاء پدیده هاست که در این نقطه به وحدت رسیده اند و از نظر بوکهارت هنر الهی پیش از هر چیز تجلی وحدت الهی در جمال و نظم عالم است. وحدت در هماهنگی و انجام عالم و کثرت در نظم و توازن انعکاس می یابد جمال بالنفسه حاوی همه ی این جهان است و استنتاج وحدت از جمال عالم، عین حکمت است، بدین

⁷ بوکهارت، تیتوس؛ «مدخلی بر اصول و روش هنر دینی»، م مبانی هنر معنوی؛ ترجمه جلال ستاری؛ تهران: انتشارات حوزه هنری، 1376.



جهت تفکر اسلامی هنر و حکمت ضرورتاً پیوندی پیوندی میبیند. از دیدگاه هنرمند مسلمان هنر اساساً بر حکمت یا علم مبتنی است و علم چیزی جز ودیعه ی صورت بسته و بیان شده حکمت نیست^۸

1-7- شاخصه های هنر قدسی:

هنر چون اسلحه ای محکم در دست مومنان است که دارای قدرت تحول انگیزی و دگرگون سازی است افراد را می تواند به حرکت در آورد و به تلاش و جنبش وادارشان سازد.

- هنر راستین جهت دهنده است .
- افراد را به سوی لایتناهی حرکت و پرواز می دهد
- هنر راستین متعهد و مسئول است در برابر جریانات اجتماعی
- در برابر ظلم و ستم بی تفاوت نمی ماند
- آدمی را در برابر ستمکاران و استثمارگران به حرکت وامیدارد
- هنر راستین در صدد پرکردن خلاء های اجتماعی است
- هنر راستین ما را در شکوفا ساختن استعدادهایمان یاری می دهد
- هنر متعهد می کوشد که بیابد آدمی در چه راهی و چگونه به سعادت می رسد
- هنر متعهد آفرینندگی ایجاد می ند، عشق به خدا محبت به مردم را در دلها زنده می کند .
- خشم ها و نفرت ها را از میان بر می دارد
- هنر متعهد موجب خلاقیت است و نهران پنهان را آشکار می سازد^۹

2-7- سیر حکمت در معماری خانه خدا:

هنرمعماری به خصوص معماری مسجد همواره در تمام طول تاریخ دارای حکمتی عظیم بوده است. همان طوری که در بخش های قبلی ذکر شد می توان در یک جمع بندی کلی مظاهر حکمت در آثار معماری را به شکلی زیر تقسیم کرد:

- 1- رفع نیاز بشر جهت ایجاد سرپناهی برای زندگی و مکانی جهت خلوت و عبادت و سایر نیازهای دیگر؛
- 2- توجه به جامعیت بنا با توجه به نیازهای بشری؛
- 3- توجه به عنصر مردم‌واری به معنای داشتن مقیاس انسانی در عناصر مختلف معماری؛
- 4- توجه به عنصر خودبسندگی به معنای این که معمار و سازنده بنا سعی بر آن دارد که مصالح ساختمانی و مواد مورد نیاز خود را از نزدیکترین مکان ها و با کمترین قیمت تهیه کند.
- 5- پرهیز از بیهودگی به این معناکه معمار و سازنده بنا سعی می کند از به کار بردن عناصر و اجزاء بی فایده خودداری کند. در واقع این اصل معماری قبل از اسلام وجود داشته و بعد از اسلام نیز مورد توجه قرار گرفته است.
- 6- پیمون یا مدول که برای رعایت تناسبات در معماری کلاسیک یونان و روم به کار می رفته و وسیله تنظیم ابعاد و اندازه و هندسه راهنمای معماری در تأمین مناسبات و هماهنگی اصولی است.

^۸ (رهنورد، حکمت هنر اسلامی، 1389، انتشارات سمت، تهران، ص 23)

^۹ حکمت و هنر معنوی (مجموعه مقالات)،؛ گردآوری غلامرضا اعوانی، تهران: انتشارات کروس، 1357.



7- درون گرایی، به معنای قرار دادن اندام‌های معماری و ساخت دیوارهای خارجی است، که ارتباط مستقیم بنا را با فضای خارج در درون خود با عنصری به نام حیاط میسر می‌کند، فضای درون گرا، از هر سو به داخل توجه دارد.

معماری مسجد از صدر اسلام از زمانی که رسول خدا اولین مسجد را بنا کردند تا زمان معاصر و مساجد با معماری جدید کم و بیش از این مظاهر حکمت برخوردار می‌باشند. گاهی این مظاهر حکمت در آن‌ها پررنگ می‌شود و زمانی کم‌رنگ‌تر که این مسأله خود به شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه بستگی دارد.

3-7- نگاه حکمی به ظاهر و باطن خانه خدا:

مسجد به عنوان خانه خدا و محل عبادت و بندگی، بندگان خداست. این بنای مقدس دارای ظاهر و باطنی است که هر دو نمایانگر تقدس و معنویت آن می‌باشد. در واقع می‌توان اهمیت مسجد را در باطن آن جستجو کرد. یکی از نگاه‌های حکمی به ساختار بناهای پرستشگاهی دیدن باطن آن‌ها است که در ظاهر نیز تجلی می‌یابد. تقدس و معنویت مسجد در باطن آن نهفته است. باطن مسجد بوی عبادت و پرهیزگاری می‌دهد. روح مسجد که در باطن و درون آن قرار گرفته بوی بهشت را به مشام می‌رساند. زیبایی‌های معنوی که در مسجد روی می‌دهد همه نشانگر روح زیبای مسجد است. مسجد بدون انسان مؤمن بنایی مادی است. وجود مؤمن، عبادت او و حضور خداوند در مسجد باطن مسجد را زیبا و زیباتر می‌کند. انسان نمازگزار وقتی پای در مسجد می‌گذارد احساس آرامش می‌کند و از اعماق روح لذت می‌برد. زیبایی‌های معنوی مسجد و تأثیر آن بر روح هنرمند مسلمان موجب می‌گردد ذهن خلاق و متفکر آن پویا شده و آثاری زیبا نه با نگاه حسی و نه با نگاه انفعالی؛ بلکه با نظر شهودی خلق گردد.

مسجد تجلی‌گاه شهود است. شهود حقیقت آکمل است که در قالب‌ها و صور مختلف خود را نمایان می‌کند. این شهود معنایی را می‌توان در سیمای بسیاری از انسان‌های پرهیزکار مشاهده کرد. زیبایی‌های معنایی در رفتار و گفتارهایی که همه‌بوی کمال حقیقت را می‌دهد و این کمال حتماً جمال را به همراه دارد زیرا که هر حقیقتی زیباست. در واقع هنر نوعی حقیقت است زیرا که حقیقت همیشه با جمال و زیبایی به همراه است. البته حقیقتی زیباست که کامل باشد. به معنی دیگر کمال حقیقت دارای جمال است. کاملترین حقیقت که همان خالق همه هستی است در باطن مسجد جای دارد و این حضور معنوی خداوند موجب گشته که کمال زیبایی‌ها نیز در باطن آن حضور یابد. هر آن‌چه در باطن باشد در ظاهر نمود پیدا می‌کند. پس جای تعجب ندارد که بتوان نمود جمال خداوندی را در بنای خانه خدا مشاهده کرد. در بنایی که به فرمان خدا و برای خدا و جهت عبادت خدا بنا شده است.

ظاهر مسجد نیز دارای رنگ و بوی خدایی و معنوی است. این ظاهر همان طوری که گفته شد، نمود و تجلی باطن آن می‌باشد. همه بناهای معماری دارای ظاهر و باطن می‌باشند اما فقط بناهای پرستشگاهی دارای تقدس و معنویت هستند. این تقدس در ظاهر آن‌ها نمایان شده و از درون آن‌ها می‌گوید و از عظمت و بزرگی معنای آن‌ها سخن به میان می‌آورد. دیوارهای مسجد، صحن آن، محراب، گل دسته‌ها و همه اجزاء ظاهری مسجد ذکر می‌گویند. آن‌ها همه از فضایی روحانی صحبت می‌کنند. ناخودآگاه انسان را به یاد صاحب خانه می‌اندازد و مغناطیس معنایی آن موجب کشش روح به اصل خود می‌شود و این کشش با لطافت روح و تجربه زیبایی‌های آن بیشتر می‌شود تا پا به مرحله شهود گذاشته آن‌ها را از اعماق وجود درک می‌کند. در آن زمان است که انسان خدا را در هر قسمت مسجد می‌تواند مشاهده کند، البته که خداوند از رگ گردن به ما نزدیک تر است. آن نگاه شهودی است که موجب می‌شود در جای جای این



خانه، صاحب‌خانه دیده شود و در هر لحظه بتوان با او راز و نیاز کرد. در واقع زیبایی‌هایی که در معماری مساجد اسلامی است همه از اصل وجودی باطن این مساجد است که تجلی خود را با نگاه شهودی در ظاهری مادی نمایان کرده است.

4-7- نگاه حکمی بر کارکردهای خانه خدا:

یکی از مظاهر حکمت در ساختار بناهای معماری کارکرد آنها است. وجود کارکرد بنا و اندیشیدن به رفع نیازهای موجود نشان از حکمتی بس گسترده در تاریخ معماری بشر بوده است. انسان همواره به دنبال رفع نیازهای خود بوده است یکی از این نیازها معماری و سرپناه می‌باشد. از زمان خلقت انسان تاکنون او به دنبال رفع نیازها و رسیدن به آرامش و آسایش بوده و در این راه تلاش کرده است. بنای معابد و پرستشگاه‌ها نیز یکی از نیازهای ذاتی و فطری انسان است؛ زیرا که انسان دارای فطرت خداجوست و به دنبال رسیدن به حقیقت است؛ پس برای پاسخ‌گویی به این نیاز به عبادت و پرستش خدا می‌پردازد. خدای انسان زمانی از سنگ و چوب بود، زمانی در حیطة ستارگان و اجرام آسمانی بود و زمانی در بین اساطیر به دنبال آن می‌گشت ولی سرانجام با ظهور پیامبران و راهنمایی‌های آن‌ها انسان خدای واقعی، آن حقیقت کامل را پیدا کرد در نتیجه برای عبادت او به مکانی نیاز داشت. البته بناهای پرستشگاهی از قبل از ظهور پیامبران و در بین همه اقوام وجود داشته و این مسأله خود حاکی از نیاز فطری انسان به پرستش است و فطرت خداجوی انسان همواره به دنبال حقیقت می‌گردد. بنابراین نیاز موجب ساخت بناهای پرستشگاهی شد. با ظهور اسلام، نیاز به محلی جهت برپایی نماز و عبادت خدا موجب گشت تا اولین مسجد بدست مبارک رسول خدا در مدینه ساخته شود.

رفع نیاز خود از مظاهر حکمت در معماری است. پس در ساخت اولیه مسجد حکمتی است و آن حکمت رفع نیاز نسبت به احداث مکانی است تا انسان خداجوی بتواند در آن عبادت کرده و احساس آرامش پیدا کند. مساجد با گذشت زمان کارکردهای دیگری نیز پیدا کردند. در آغاز اسلام مسجد علاوه بر کارکرد مذهبی کارکردهایی از جمله نظامی، آموزشی، سیاسی، اجتماعی، مددکاری و ... داشت که این کارکردها در ساخت مسجد تأثیر گذاشته و موجب اضافه شدن الحاقات به بنای مسجد گردید.

مساجد جامع، بهترین مسجد هر شهر بودند. جایگاه این مساجد در مرکز شهر بود و اکثر آن‌ها در کنار بازار و دارالحکومه ساخته می‌شدند. مهمترین کارکرد مساجد جامع هر شهر برپایی نماز جمعه بود. در هر شهر در ظهر جمعه فقط در مسجد جامع نماز برپا می‌شد. پس این مساجد به دلیل این‌که بتوانند خیل عظیمی از نمازگزاران را در خود جای دهند اکثراً از نظر وسعت با توجه به شهری که در آن قرار گرفته‌اند، وسیع ساخته می‌شدند. صحن مساجد جامع، فضایی باز بود که علاوه بر جای دادن خیل عظیمی از نمازگزاران موجب می‌شد که نمازگزار خود را به آسمان نزدیک‌تر احساس کند. و وسعت رحمت الهی را به یاد آورد.

یکی از مهمترین کارکردهای مساجد کارکرد آموزشی است. در اسلام همواره به امر آموزش و تعلیم و تربیت تأکید فراوانی شده است و مسلمانان از همان سال‌های آغازین اسلام به این امر توجه داشتند. مسجد پایگاه اصلی آموزش در جامعه اسلامی بوده است. بعد از نمازهای یومیه و یا قبل از آن حلقه‌های درس و پرسش و پاسخ در مساجد تشکیل می‌شد و جوانان مسلمان در گرد استاد می‌نشستند و از درس او استفاده می‌کردند. اکثر این حلقه‌های درس در گوشه‌ای از شبستان مسجد در کنار ستونی تشکیل می‌شد تا جایی که در بسیاری از مساجد، به عنوان نمونه در مسجد جامع اصفهان، بسیاری از ستون‌ها را با نام استاد آن حلقه می‌شناسند. ولی با گذشت زمان و رشد و توسعه جوامع اسلامی و در کنار آن توجه بیشتر مسلمانان به امر تعلیم و تربیت موجب شد این حلقه‌های درس به مدارس انتقال داده شود تا بحث و



جدل‌های حاصل آن حلقه‌های تعلیم و تربیت مزاحم عبادت نمازگزاران نگردد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تشکیل بسیج مساجد کارکرد آموزشی مساجد به خصوص در پر کردن اوقات فراغت نوجوانان در ایام تابستان احیا شد.

یکی از کارکردهای مهم مساجد کارکرد قضایی آن می‌باشد. این کارکرد بیشتر در سال‌های ابتدایی اسلام بود که مسلمانان برای حل اختلافات خود به مساجد می‌آمدند و از رسول خدا یا خلیفه وقت جهت رفع اختلافات خود کمک می‌خواستند. این کارکرد مسجد موجب ایجاد فضایی ویژه برای امر قضا در مسجد شد که به آن دکه‌القضاء می‌گفتند. کارکرد قضایی مسجد با تأسیس دارالحکومه از مسجد انتقال یافت. این کارکرد در مساجد معاصر وجود ندارد.

یکی از کارکردهای مهم مساجد کارکرد مددکاری اجتماعی آن می‌باشد. از صدر اسلام تاکنون مسجد محل و خانه امید نیازمندان، دردمندان و مسافرانی بود که در آن شهر غریب بودند. به همین منظور در بسیاری از مساجد محلی برای استراحت و کمک به این دسته از مردم ساخته شده بود. به کار بردن آیاتی با مفاهیم قرآنی و مضمون انفاق و کمک به نیازمندان در قالب کتیبه در هر گوشه مسجد نوعی پاسخ‌گویی به این نیاز جامعه می‌باشد و خود مظهري از حکمت در ساخت مساجد اسلامی است.

وجود حوض سنگی آب در مرکز صحن مسجد جهت تطهیر و وضو خود نشان دهنده وجود حکمتی عظیم در ساخت اجزای تشکیل دهنده مسجد است. این حوض آب علاوه بر تأمین آب مورد نیاز جهت وضو، نمادی از پاکی و زلالی دل مؤمن نمازگزار است. آب نشانه پاکی و رحمت است که وجود آن به تقدس و پاکی فضای مسجد می‌افزاید. دیدن آب آرامش را به فرد مسلمان که در حال وضو گرفتن است هدیه می‌کند.

5-7- نگاه حکمی رمزها و نمادهای خانه خدا :

نماد نوعی نشانه است؛ نشانه‌ای که یک معنا را بازنمون کرده و با کمک ابزاری آن را نشان می‌دهد. ماهیت نماد بازنمایی نوعی قرارداد برای دلالت بر امری قراردادی است. وجود نماد هدف حکمت را بیان می‌کند. هدف حکمت تبدیل محسوس به معقول و معقول به محسوس است. در واقع هر چیزی که دارای حکمت باشد معقولی در آن نهفته است که یا خود آن معقول است و یا محسوسی است که معقول شده است. گاهی اوقات برای فهم مطلب و بیان هدفی، نیاز است که معقول به محسوس تبدیل شود. وجود نماد همین وظیفه را انجام می‌دهد. یعنی معنایی که در پس پرده است نه می‌تواند محسوس باشد و نه می‌شود آن را با زبان معقول بیان کرد پس به زبان نماد روی می‌آوریم تا با به کارگیری نشان‌هایی قراردادی مدلولی را بیان کنیم. البته در حوزه نشانه‌شناسی استعاره‌ها نیز می‌توانند همین کارکرد را داشته باشند با این تفاوت که بعد قراردادی در استعاره حکم نیست. مساجد دنیایی از نشانه‌ها و نمادها هستند. سردر عظیم مساجد دوره ایلخانی، تیموری و صفوی از عظمت و بزرگی خداوند و مناره‌های دو طرف این سردر نشان دهنده دستان مؤمن است که به آسمان بلند شده و خدای را می‌خواند. تزئینات اسلیمی و ختایی وجود نقوش هندسی و گیاهی همه و همه نشان از نمادهایی است که بهشت خدایی را به تصویر کشیده‌اند. هنر در پیکره مساجد به لسان نماد با انسان سخن می‌گوید. نقوش هندسی و گره‌های هندسی که حول شمشه‌ای شش، هشت و یا دوازده پر می‌چرخند نشان از وحدت در کثرت هنر اسلامی است و این خود دال بر وحدانیت خداوند در کل تکثر عالم هستی و رسیدن همه موجودات به وجودی واحد را بازنمون می‌کند. نقش‌های اسلیمی و قوس‌های اسپیرال که بر لاجورد آسمانی دیوارهای مسجد موج می‌زند دریای بی‌کران رحمت الهی را نشان می‌دهد. درخت زندگی بر قاب‌های تزئینی مساجد حاکی از بهشت مینویی خداوند بر



زمین است. معنای حقیقی هنر اسلامی با نماد همراه و عجین شده است. خطوط کوفی، ثلث و نسخ که اغلب بیش از غایت خوانده شدن به تطهیر فضا کمک می کنند کارکردی نمادین به خود گرفته اند و تبرک فضا را با کلام خداوندی نشان می دهند و تعداد زیادی از این کتیبه ها، آیاتی را در خود دارند که نشان از تبدیل امر نامحسوس به محسوس می باشد. مسجد تمثیل و نماد بهشت خدا بر روی زمین است. بهشتی که فقط نیکان را در خود جای می دهد بهشتی ابدی و ازلی است. بهشت زمین فضایی مینویی دارد. فضایی که با رنگ های فیروزه ای و لاجورد، آرامش و تعادل را به بیننده القاء می کند. رنگ لاجوردی عمقی دارد که انسان را به بی نهایت می برد، آبی رنگ آسمان است، رنگ صعود به عالم بالا است. رنگ عالم خیال و دست نیافتنی. آبی رنگ بی گناهی است. رنگ پاکی و صفای دریا. آبی رنگ درون است. این رنگ به فکر انسان وارد می شود و با آن پیوند برقرار می کند، آبی رنگ آرامش است، رنگ دریای بی کران خداوندی. آبی مساجد به مانند آبی آسمان است که انسانهای مؤمن به سان ستارگانی درخشان در آن سوسو می زنند. فیروزه ای دیگر رنگ مسجد است. گنبد های فیروزه ای به مانند نگین انگشتری عشقند بر روی زمین. فیروزه ای از آبی منشأ گرفته است. فیروزه ای رنگ شهود است، رنگ شهود عرفانی. فیروزه ای آرامش قلب است و اطمینان روح. فیروزه ای رنگ عروج است. معنای واقعی قلب آرام و مطمئن عارف به وجود خداوند. فیروزه ای رنگ یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه می باشد. فیروزه ای رنگ مؤمنان سحر خیز است. رنگ نماز پرشکوه شب و خلوت های پر عظمت مؤمنان حقیقی. فیروزه ای رنگ امید است. امید به طلوع خورشید. نه خورشیدی که از شرق طلوع می کند بلکه خورشیدی که شرق و غرب نمی شناسد شب و روز نمی خواهد و هر ساعت و هر لحظه می درخشد. رنگ سفید، رنگ پاکی است. رنگ سادگی و بی آلابی. رنگ سفید رنگ عرفان است عرفانی مقدس، که به همراه تفکر و خلوت است. این رنگ انسان را به یاد ابرهای سبک بال می اندازد. سفیدی همیشه با پاکی و صداقت همراه است. رنگ سفید بی کرانگی است. رنگ بی پایانی و بی انتهایی است. رنگ پاکی و صداقت است. رنگ سفید نور است، نور الهی که در قلب مؤمن می تراود. رنگ کبوتر عشق است که در آسمان لاجورد در بی معشوق خود می گردد. بیان حالت قدسی است. رنگ رسیدن به فناست. فنای عارفانه که وصال را به دنبال دارد رنگ استغناست. رنگی که همه هست و هیچ نیست. سفید رنگ نور است. نور خدایی، نوری که به تاریکی دل روشنایی می دهد. روشنایی که در کور راه های طریقت راهنمای اهل حقیقت است. اهل حقیقتی که به دنبال کمال است و انتهای شریعت.

علاوه بر رنگ در مسجد که دریایی از نماد را به وجود آورده است، فرم نیز در مساجد دارای معنا و مفهومی است. فرم های استوار، افقی و چهار گوش که در قسمت پائینی همه اجزای مسجد قرار گرفته کم کم در حرکتی آرام به فرم منحنی تبدیل شده و در بالاترین نقطه به یک وحدانیت می رسد. این خصوصیت در محراب ها به خوبی قابل مشاهده است. پائین محراب فرم کاملاً استوار و چهار گوش دارد و در قسمت بالای آن حالت انحنا پیدا کرده تا در بالاترین نقطه که اغلب در آن چراغی آویزان است می رسد و حکم این است که از زمین خاکی که تکرر را در خود جای داده حرکت کرده و به یک نقطه می رسیم و آن نقطه نور است، نور خدایی و نور هدایت و وحدانیت که در بالاترین قسمت محراب قرار گرفته است.^{۱۰}

قرار گرفتن گنبد در بهترین قسمت مسجد یکی از مظاهر حکمت در ساختار خانه های خداست. گنبد نماد آسمان است. آسمان بزرگ که گستره و جایگاه رحمت خداوندی است. آسمانی که انسان برای جستجوی خدا به آن نگاه می کند زیرا بلند است و انتها ندارد. آسمان رنگ خداست و از آن بوی عطر خداوند به مشام

¹⁰ احمدی ملکی، رحمان «لاجورد آسمانی» نشریه وارث، سال دوم، شماره اول، 1375.



می‌رسد. گنبد مساجد نمادی از آسمان است. نمادی از رسیدن وحدت از اکثریت است. همه اجزای زینت دهنده آن در یک نقطه جمع می‌شوند. در بالاترین قسمت گنبد شمسهای زیباست که نماد نور خداوندی است و معنای آن را می‌دهد که همه چیز به سوی خدا می‌رود و کشش و حرکت همه موجودات به وحدت زیبا ختم می‌شود.

نماد در هنر مسجد، معنا، مفهوم و پیامی دارد. با نگاه از زاویه‌ای دیگر و با یک جمع‌بندی کلی می‌توان پنج پیام را از نمادهای هنری مسجد مشاهده کرد:

1- توحید اولین پیام هنر مسجد است. تمام راه‌ها، گذرها، بازارها و مراکز مهم شهری به مسجد ختم می‌شود و در مسجد همه اجزاء شامل صحن، ایوان‌ها و دیوارها و حتی خط‌های افقی و عمودی به گنبد ختم می‌شود و گنبد در یک نقطه به اوج می‌رسد و آن نقطه وحدانیت است که معنا و مفهوم عمیق توحید را بیان می‌کند.

2- لطافت، نرمش، عاطفه و انعطاف پیام دیگر مسجد است. وجود رنگ‌های ملایم، خطوط منحنی، آرامش و لطافت را به همراه خود دارد فرم‌های سازنده مسجد همه از آرایشی وصف نشدنی سخن می‌گویند فضای سازی مسجد نوعی روحانیت و عرفان را در خود دارد که رضایت روح و آرامش آن را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

3- توجه به جایگاه رفیع انسان و اشاره به خویشاوندی او و طبیعت، دیگر پیام هنر مسجد است «مجموع مسجد، یک انسان یا یک خانواده است. انسان بدون خانواده (کوچکترین جامعه) و بدون جامعه، معنا نمی‌دهد. در دوره آذری و اصفهانی، چهارایوان - سه ایوان کوچکتر و یک ایوان بزرگتر - پدید آمد. ایوان بزرگتر همراه با گنبد و دو گلدسته، تداعی کننده وضعیت یک انسان در حال نیایش است که با سر و دست‌هایی رو به بالا نشسته است و اطراف او هم، افرادی چند - ایوان‌های کوچکتر - قرار دارند. و این تداعی کننده یک خانواده است».

4- جامعه‌گرایی و جامعه‌نگری پیام دیگر هنر مسجد است. جمع شدن مسلمانان در کنار هم در فضای مسجد تداعی کننده جامعه‌گرایی مسجد می‌باشد.

5- دین‌داری جامعه، دیگر پیام معماری مسجد است. مسجد در مرکز شهر قرار گرفته به طوری که تمام راه‌های و گذرها به آن ختم می‌شود. قرار گرفتن بازار و مدرسه در حاشیه مسجد نشان از قطب شهر بودن مسجد است و وجود آن نماد و سمبلی است از دین‌داری و اعتقاد مردم جامعه‌ای که مسجد در آن واقع شده است.

8- نتیجه گیری:

آثار و بناهای بر جای مانده از سلوک پیشینیان، کار آمدترین ابزار در بازخوانی مبانی معنوی و معرفتی معماری اسلامی است. معماری ایرانی حاصل نگاه معنوی نیاکان نیک اندیش ماست، از این رو هر آینه این آثار مورد بررسی دوباره قرار گیرد، می‌تواند راهگشای کشف مفاهیم مستور در کالبد آن شود. مفاهیمی که از آموزه‌های معنوی ایرانی و اسلامی برآمده و در قالب مادی گسترده شده‌اند. یکی از مهمترین آموزه‌های معماری اسلامی فنای فی الله است.

پیوستگی میان هنرها زمینه‌ای است که می‌تواند اجزای گوناگون و متکثر جهان هستی را به وحدتی متعالی رهنمون گردد. در دوره طلایی معماری اسلامی ایران، این وحدت و هماهنگی در وضعیت آرمانی تبلور نداشته است. به عنوان مثال می‌توانیم به بنای مسجد شیخ لطف الله اصفهان اشاره نماییم. در این مسجد آنچه در نگارگری می‌یابیم همان است که در خطوط اسلیمی حاکم بر بنا می‌بینیم و آنچه در ظاهر



بنادیده می شود، آن است که در دورن دیواره ها احساس می گردد. از همه اینها مهمتر آن است که آنچه در درون بنا مشاهده می گردد، همان است که بیرون بنا شاهد آن می باشیم. گویی استاد علی اکبر اصفهانی، استاد محمد شیرازی و کمال الدین بهزاد، در حقیقت یک نفرند که به مدد حکمت اسلامی، گونه گونی آنها به وحدت نهایی بنا انجامیده است.

وحدت میان هنرها از قالب تک تک ساختمانها نیز فراتر رفته، گویی در اصفهان صفوی همه یک و تنها یک چیز می گویند و آن شهادت به بزرگی باری تعالی است تمامی هنرها بر مبنای احترام به اصول معنوی مشترک، در حقیقت باطنی خویش، هم گون اند. چنانچه که سید حسین نصر می گوید: پیوند میان معنویت اسلامی و هنر در عرصه صفویه، در زمینه های هنری چون معماری، موسیقی، مینیاتور، و... کاملا مشهود است

مراجع

- [1] مهدوی نژاد، محمد جواد، حکمت معماری اسلامی، نشریه هنرهای زیبا، شماره 19، ص 1383-61
- [2] نصر، صدرای شیراز در تاریخ و فلسفه ی اسلامی، به کوشش محمد شریف، مرکز نشر دانشگاهی، تهران 1376
- [3] نصر، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر، 1375
- [4] پیرنیا، شیوه های معماری ایران، موسسه نشر هنر، تهران، ص 9-13، 1369
- [5] هنر و معنویت «مجموعه مقالاتی در زمینه حکمت هنر»، تدوین و ترجمه انشاء الله رحمتی، پاییز 1383
- [4] حکمت و هنر معنوی (مجموعه مقالات)، ترجمه ی غلامرضا اعوانی؛ گردآوری غلامرضا اعوانی، تهران: انتشارات کروس، 1357
- [6] بورکهارت، تیتوس؛ «مدخلی بر اصول و روش هنر دینی»، مجموعه مقالات مبانی هنر معنوی؛ ترجمه جلال ستاری؛ تهران: انتشارات حوزه هنری، 1376.
- [7] رهنورد، حکمت هنر اسلامی، 1389، انتشارات سمت، تهران، ص 23
- [8] حکمت و هنر معنوی (مجموعه مقالات)،؛ گردآوری غلامرضا اعوانی، تهران: انتشارات کروس، 1357.
- [9] احمدی ملکی، رحمان «لاجورد آسمانی» نشریه وارث، سال دوم، شماره اول، 1375.